

تأثرات مرزا عبدالقادر بیدل

بر ادبیات معاصر ایران

این عنوان که برای پایان نامه انتخاب نموده بودم بنا بر ضد موجبات اساسی بوده است که قبلاً به این موضوع کسی نظر نه داشته است - یکی از آن موجبات اساسی اند که روابط هند و ایران را در چارچوب تمدن و فرهنگ، زبان و ادبیات، اخلاق و عادات، تاریخ و زمان و افکار و آثارش بتوانم ارزیابی کنم، شیوه مرزا بیدل و سبک هندی موجبات دیگر است - موجبات سومی است که توجه نسل جوانان پس از انقلاب اسلامی ایران بسوی سبک هندی و بیدل جلب می کند - همین طور افکار و اندیشه های صوفیانه، عارفانه و فیلسوفانه مرزا بیدل برای شاعران نسل جوان ایران مضامین تازه چون عرفان و دین مهیا کرد - و یک گروه پیروی کنندگان شاعران این زبان هستند که به تقلید و تفسیر به طرز بیدل شعرهای سروده اند که به اسلامی سهراب سپهری، احمد عزیزی، علی مصلح، قیصر امین پور، یوسف علی میرشکاک، عبدالجبار کامالی، سیمین بهیهای و همچنین چندین متن دیگر هستند - به همین لحاظ، این مقاله تحقیقی راه یافته است که این اولین کار در مورد مرزا عبدالقادر بیدل دیده می شود - برای خوانندگان این مقاله جای شگفتی آید و تعجب آمیزی باشد که این شاعر سبک

هندي موسوم به مرزا عبدالقادر بيدل در ايران گننام بود و چطور حامد و فعتا تاثيراتي بزرگ و شاعران
معاصر ايران گذاشته است - همين منظور را من در اين پايان نامه بررسي قرار داده ام -
تقسيم بندي موضوع پايان نامه را بصورت زير به پنج فصل ارائه داده ام

فصل اول: بيان مختصري درباره سهم ميرزا عبدالقادر بيدل بر ادبيات فارسي

فصل دوم: مرزا عبدالقادر بيدل و سبک هندي

فصل سوم: بررسي اشعار فيلسوفانه ميرزا بيدل و مبنيش منتقدان جديد -

فصل چهارم: اهميت و ارزش آثار ميرزا عبدالقادر بيدل در عصر امروز -

فصل پنجم: تاثيرات ميرزا عبدالقادر بيدل بر ادبيات معاصر ايران -

همين فصل پنجم موضوع اصلي پايان نامه است - و بررسي شده است که ميرزا عبدالقادر

بيدل چه طور در ايران معرفي شده و چه سببي است که شاعران نسل جديد ايران مخصوصاً پس از

انقلاب اسلامي بر اين شاعر گننام و فراموش شده، توجه داده اند و از سبک و شيوه وي تاثيراتي گرفته

اند - شاعران پس از انقلاب اسلامي ايران به شيوه و سبک ميرزا عبدالقادر بيدل دهلوي و به تقليد

تضمين وي شعرهايي سروده اند - ميرزا عبدالقادر بيدل در ايران بعد از علامه اقبال لاهوري اهميت

بنگيري بدست آورده است -

ماهمه مي دانيم که ميرزا عبدالقادر بيدل، کي از بزرگترين شعراي فارسي گوي شبه قاره

هند است و بزرگترين قهرمان سبک هندي و شاعر فيلسوف و صوفي نيز ناميده شده است - و از همين

شاعري است که وي نه فقط در شبه قاره هند و پاکستان بلکه حد افغانستان، از بکستان و تاجکستان بجه

طرز يکتايي خودش زياد معروف و مشهور شده است -

ميرزا عبدالقادر بيدل تعليم ابتدائي به سرپرستي مادر و عمويش گرفته و با صوفيان زمان عقايد

ناهی داشتند - چونکه خانواده میرزا عبدالقادر بیدل از بزرگان و صوفیان عقیدت زیاد داشتند و به
 محبت صوفیان و درویشان می نشستند - صوفیان بزرگ چون شیخ مولانا کمال شاه ملوک، شاه
 فاضل، شاه قاسم هواللهی، شاه یکه آزاد، شاه کابلی و غیرهم بودند - چنانچه خود میرزا بیدل سروده
 است -

شبم از خورشید فیض عالم بالا شود قطره گردریا بشود از صحبت دریا شود
 قبله خوانم یا پیغمبر یا خدا یا کعبه است اصطلاح شوق بسیار دست و من دیوانه ام
 تا بهار زندگی دارد سر برگ نفس موبه موبه هم آشیان سجده تسلیم اوست

صحبت صاحب دلان جوهر اکثر غناست

بی صدف قطره محالست که گوهر گردد

شهرت میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی در میان شاعران و نزد حکمران زمان زیاد شدند - از
 شهرت بیدل، شاه محول زمان بهادر شاه خواست که شاهنامه ای در مورد شاه مغول بنویسد ولی میرزا
 بیدل انکار رفت و به پاسخ چنین نوشت:

”اگر شاه اصرار ورزد، من شخصی فقیر هستم نمی توانم با وی منازعه کنم ولی امپراطوری را
 ترک نموده و به ولایت بخارا خواهم رفت“ -

همین طور نظام الملک آصف جاه دکنی، میرزا عبدالقادر بیدل را دعوت نمود که دکن بیاید
 و مابقی مانده را آنجا بگذارد، اما میرزا بیدل عذرخواست و این بیت در جوابش فرستاد:

د نیا اگر دهند نجبم ز جای خویش

من بسته ام حنای قناعت به پای خویش

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل، سرآمد فضلای زمان، فصیحی سخندان و ذوقنون شعر در

کمال مهارت و عارفان نامی دهند، آن چنان بی همتا و شاعری توانایی قرن هجدهم در زمان مغول
هند اخیر بوده است که کسی را مجال آن نیست تا به مقام قرب وی راه یافته - وی شاعر بلند پایه و قهر
مان سبک هندی بوده است - علامه اقبال لاهوری خود اعتراف کرده است:

”من اعتراف می کنم که از میرزا عبدالقادر بیدل و مرزا غالب بسیار استفاده کرده ام،
میرزا بیدل و غالب مرا آموخته اند“ -

میرزا عبدالقادر بیدل شاعری بسیار پرگو و کثیر التالیف بوده است - درباره وی،
آقندرام مخلص یکی از شاگردان بیدل نوشته است که او در باب تصوف بسیار غلومی
کرد و آنرا از تمامی علوم برتر او افضل می پنداشت - نکته مهم این است که نه تنها قلب او از احوال
تصوف لبریز و اندیشه اش از افکار تصوف مالا مال بود بلکه اندیشه های بزرگان و ملفوظات اولیاء کرام
را عمیقاً مطالعه کرده بود و با افکار و اندیشه ابن عربی، غزالی، رومی، جامی، شبلی، جنید و بامیر مله
بسطامی و دیگران آشنایی کامل داشت -

میرزا بیدل گویند توانا و عارف کامل با آثار شعر و نثر در ادبیات فارسی جهان سهم بزرگی
دارد وی به هر دو نظم و نثر طبع آزمائی کرده است -

آثار منشور میرزا بیدل:

چهار عنصر: کتابی نثر که بیشتر شرح حال خود اوست، مشتمل بر چهار فصل که در سال
۱۱۱۶ هجری به پایان رسیده است -

رقعات بیدل: مجموعه از رقعات بیدل که تعدادش ۱۲۷۳ است -

نکات بیدل: در این کتاب عقاید صوفیان بزرگ و شخصیت انسانی به مریدان توضیح داده
شده است -

نظریات: در غزلبهانی اندیشه های مرموز عرفانی و مسایل فاضل فلسفی را بار بار بهایی و هنرمندی سروده است و چندان باریکی و ریزه کاری، استعاره و مجاز و کنایه و ابهام بکار برده و حسن تعلیل نموده و مثال های نوین آورده که هر ذهن به پای ادراک آن نمی رسد و زود فهم در نمی آید -

صبح هستی نیست نیرنگ هوس بالیده است

این قدر طوفان که می بینی نفس بالیده است

مثنویات: محیط اعظم، علم حیرت، طور معرفت، عرفان و غیره:

میرزا عبدالقادر بیدل شاعر پرگو، با وجودیکه بیرون از هند در افغانستان و تاجیکستان و از بستان بیشتر از حافظ شیرازی مقبول بوده است - اما در کشور سعدی و حافظ یعنی در ایران وی قبلاً ناشناخته شده - اما مؤلف شاعر آینه ها همت بزرگی کردند و در مورد میرزا بیدل تحقیق کردند و کتابی خوبی آوردند و میرزا بیدل شاعر و قهرمان سبک هندی را آشنا با مردم و اهل ادب ایران کردند - حالا این نظر رسد که میرزا بیدل در ایران کشور ناشناخته شده از دیر آشناسند و این طور مہتر شدند که مقاله های در باره بیدل در مجله های چاپ می شوند و برای اولین بار از ایران نیز کلیات بیدل به تصحیح اکبر بهداروند و پرویز عباس ذاکانی چاپ شده است -

شاعران ایران مخصوصاً شاعران نسل جدید به طرف میرزا عبدالقادر بیدل توجه زیاد دادند، زیرا که همین شاعر میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی بود که قهرمان سبک هندی نامیده بود و با هم مختصات سبک هندی چون باریک اندیشی، مضمون آفرینی، نازک خیالی، حماسه با عرفان، خیال بندی شعر سروده بودند و ازین شاعران پس از انقلاب اسلامی ایران تاثیراتی گرفتند -
قبل از انقلاب اسلامی، شاعران ایران به جنگهای و حماسه های شعری سرودند و بعد از

انقلاب اسلامی نیز این طور شعر سرودن امتداد کرد و شاعران دیگر به پیروی علمای اسلامی و روحانیون بزرگ و رهبر انقلاب اسلامی رفتند و شعر سرودند. شاعران این دوره در بسیاری از موارد در دیوان خود از ارزشهای والایی انسانی و اسلامی سخن به میان می آوردند و در باره مطالبی چون انسانیت، آزادی، دعوت وحدت و اتحاد و پرهیز از تفرقه افگنی، اصالت فرهنگی، استقلال مینمی، آفتابهای جوانی، دعوت به معنویت سخن رانده اند.

برخی از شاعران پس از انقلاب اسلامی بطور وضوح جلوه های از نازک خیال و باریک اندیشی و مضمون آفرینی و حماسه با عرفان، خیال بندی های سبک هندی را سراخ گرفته اند.

حالا اینجا بررسی در مورد شاعران برجسته پس از انقلاب اسلامی ایران است که ایشان تاثیراتی خوبی از میرزا عبدالقادر بیدل و سبک هندی گرفته اند.

درین زمره اولین شاعر سهراب سپهری که مشعل دار سبک هندی بوده است. دیگران که از میرزا بیدل تاثرات بزرگی داشتند، آنها احمد عزیزی، یوسف علی میرشکاک، علی معلم، قیصر امین پور حسن حسینی، علی موسوی کرمارودی، سلمان هراتی، طاهره صفارزاده، عبدالجبار کامالی، سهیل محمودی شفق کاشانی و غیره هم بودند.

سهراب سپهری: شاعر نقاش مشهور معاصر ایران است. وی شعر بانی در تحت تاثیر زمان و فضای شعر دوره خود سروده است. تاثیر نفوذی که سهراب سپهری از فلسفه آیین بودا و دیگر فلسفه های هند مانند ویدانت و فلسفه کرشنا مورتی گرفته، زبان شعرش سمبولهای بسیار از شعر سبک هندی و میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی را نشان می دهد و این تاثیر اهمیت و برجستگی ادبی سپهری را بزرگی و جاودانگی بخشیده است. آقای صالح حسینی در مجموعه های خود "گل های نیایش" می گوید:

شاعران در این دوره سپهری قوالب و مضامین نیامی طبع آزمایی می کنند. تاثیر شعر میرزا

عبدالقادر بیدل ہم بر شعر سپہری انگارنا پذیرا است۔

سہراب سپہری از میان خصوصیتہای اساس سبک ہندی بیشتر از ہمہ برای تشخیص و تجسیم اعتبار و اہمیت قائل شدہ است۔ این صنعت را تا آن حد در شعر خود جادادہ است کہ خال خال شعری از او بنظری آید کہ ازین صنعت مبر باشد، اینجا یک شعر از تشخیص سپہری می آورم۔

و خدایی کہ درین نزدیکی است

لای این سب بوہ پای آن کاخ روی

آکای آب، روی قانون گاہ (ہشت کتاب ص: ۲۷۲)

اینجا آکای استعارہ از روشنی است۔ اما قانون کیا ہان رشد و تکامل و طراوت سبزی است، پس می گوید خدایی کہ ہمہ جاست پایین و بالا در روشنی آب در تراوت گیاه دیدہ می شود، یعنی آن نی کہ بہ طبیعت نزدیک است بہ خدا نزدیک است (نخن اقرب الیہ من جبل الوریڈ) مثال تمثیل: سپہری! من مسلمانم، قبلاً یک سرخ گل، جانمازم، چشمہ، مہر نور، دشت سجادہ من۔ بعلاوہ تشخیص، خصوصیات دیگر چون مضمون آفرینی، استعارہ، ابہام مابازی استفادہ کردہ است۔

من زنی را دیدم نور در ہاون می کو بید

ظہر در سفرہ آنان بود، سبزی بود، دوری بود کاسہ داغ بود

مضمون سازی سہراب چون۔

من در این تاریکی فکر یک برہ روشن ہستم کہ بیاید خستگی ام را برد (سبز پیر)

بوی ہجرت می آید بالمش من پر آواز پر چلچلہ ہاست۔ ندای آغاز

ایہام سپہری: صدای تو سبز مینہ آن گیاه عجیب است کہ در انتہایی صمیمت حزن می روید (ہشت)

(کتاب)

آقای حسن حسین دروودسهراب سپهری و تاثیر وی از میرزا بیدل اظهار دارد که:

”از میان شعری سبک هندی شباهت سپهری به بیدل بیش از دیگران است -

سپهری: کنار مستی خاک در در دست خودم، تنها نشسته ام -

بیدل: کوجهد که چون بوی گل از هوش خود رفتم

یعنی دوسه کام آنسوی آغوش خود رفتم

سپهری: و من می رفتم می رفتم، می رفتم قادر پایان خودم فرو رفتم

بیدل: تا ابدی بایدم غلتید در آغوش خویش

میرزا بیدل و سپهری به واسطه جهان بینی وحدت وجودی و نسبتی که با شعر سبک هندی دار

ندور شد عنصر خیال از ویژگیهای اساسی شعر این سبک است -

لبه‌ایش از سکوب رد..... بر مادرم رامی شنوم (شاسوب)

مرگ یابان سبز سنت (صدای پای تاب)

چندین ترکیبهای سپهری با بیدل اینطور نظری آید یک نامعلوم می شود

سپهری: حضور سبز قبالی میان شبدرها

خزاش صورت احساس را مرمت کرد

عبرت آینه گرایی غافل از لاف کمال عرض جوهر جز خراش چهره ابهار نیست

به هر حال میرزا عبدالقادر بیدل نویسنده زبان فارسی است و شاعر دیر آشنا در ایران

است که افکارش پس از انقلاب

احداف

من قبر زین زمان نادرم

من پراز کشلول عبدالقادر م

یوسف علی میر شاکاک: یکی از نوپردازان غزل دوره انقلاب اسلامی است - این شاعر با در شمار پیچیده گویان قرارداد و ناشی از تخیل اوست - وی غزل رنگ پریش از عبدالقادر بیدل دارد گاهی از پشت یک حجاب نوری نازک درواهری سیاه در بیشتر نگاه تو می رویند -

جای دیگر - مسلمان اگر سهل است کافر می توانم شد در دین آینه هم با خود برابر تو انم شد

بر در دروازه تقدیر نتوانم نشست

بر مزار مرده تصویر نتوانم نشست

علی معلم: رجعت سرخ ستاره: مسافران زمان زخم تشنه آوردند

مجاوران زمین آبولشنه آوردند

لحن حماسی -

می کوفد در هلا هلا بر خیز صبح آمده می زند صلا بر خیر

فیض این گلزار رحمت بسکه عام افتاده است

هر قدر سامان دامن می کنی بردار گل

می خواستم شعری برای جنگ بگویم

قیصر امین پور:

دیدم نمی شود دیگر قلم زبان دلم نیست گفتم

در حضور رمضان روزه را دریا بیم در گرم نخوریم روشفق را افطار

حسن حسینی:

همصد با حلق اسماعیل:

که کو بیدر هم حصار می شکفت

حکایت کنیم از تبار می شکفت

صفت عارفان غزلخوان عشق

بین خانقاه شهیدان عشق

علی موسوی گرمارودی: یکی از بنیان گزارن شعرند هبی اداست
هم اکنون که نغش تو را به تا کجای برند
او در کافه ای نشسته و دکامی نوشد
و مرگ تو را تحلیل علمی می کند
بر او بخش خواهرم، روشن فکر است

و ابی که در راهی نا آشنا

در باران رره می سپارد در اندوه آوارگی با من است

سلمان هراتی: بوی آثار سپهری و فرسوخ دارد:

در کوچه های گریه و هیچ: ای وطن من ای عشق رای از دجام درد در جان من از بی دردی دردمی کند
زین پیش هر چه بوده ام / عاشق نبوده ام -

این صنوبران: ای صادران شهید: سوگوار که آید در لنگیتان مباد آنان در خشانند بارانند، آنان نیلو
فرانی اند که از حمایت دستان خدا برخوردارند، آبی اند، آسمانی اند نه تو و نه من نمی دانیم، فراتر از دانایی
اند، روشنایی اند این صنوبران طاهره صفارزاده

طبیعت باردیگر با تو انگر هم آهنگ ستم بر بی نواشد

لباس خشم بر تن دیده پر کهن برای بی نوا محنت نواشد

چرا بید این چنین طرزان و ترسان باشیم ما که در معاصره مردان هستیم

مردان پاسبان، مردان تاجر، مردان امنیت

مردانی که در بیمه نامه هاشان بسته بنده شده است

مردانی که پرده بارامی آویزند مردانی که پشت پرده هابه کمین می نشینند

مشفق کاشانی: (سرود سرخ):

هزار بار خزان خوشتر از بهار من است که نوشگفته گل چون تو در کنار من است

مراغزال غزل رام شد از آن مشفق
که پهن دشت عرصه شکار من است
(خاکه آئینه):

امروزی ای غزال غزل جلوه کن به ناز
چون لعنتی که شاهد فردا کنم ترا
هر شب خیال روی تو در خواب دیده ام
یعنی صفای آینه در آب دیده ام
عبدالجبار کاکالی: روزهای ابری:

چنان بی آفتابم کرد باران پریشانی
که در من می کشد شلاق سرمای زمستانی
حباب بغض شد آن صفره هابی خالی از فریاد
چون کن تا خیالی را لباس بحر پوشانی
داغ دل:

آتشم در بند بند جان و تن پیچیده ام
شعله ام در تار و پود پیراهن پیچیده ام
درد مندم درد در جان هنر پاشیده ام
گرد بادم گرد بر گردن پیچیده ام
سهیل معمودی: "فصل از عاشقانه ها"
غزل بنام اف نه غربت در مورد بیدل سخن زده-

دستم صبور و خالی و لرزان است
اما پر از شقایق و ایمان است
مشکل ترا از تکلم صد بیدل
یک درد من که ظاهر آسان است
این طور سرودن غزلهایی در ایران از جهت امام خمینی^ع و انقلاب اسلامی آغاز گردیدند-
شاعران انقلاب رامضامین و سبک هندی و شیوه میرزا بیدل را بخوبی یاد آمدند و از خصوصیات
سبک هندی (باریک بینی و باریک خیالی و مضمون آفرینی) متأثر زیاد شدند-

این قابل توجه دادن است که چرا بیدل در ایران قبل از انقلاب اسلامی توجه نداده
و شناخته شده بود و در پاسخ حامد بگویند، قبلاً در ایران، شاعران، سوی عذب و عزب گرائی تمایل زیاد
داشتند، اما در دوره پس از انقلاب اسلامی ایران این چشمه منبع استشفاف و تحقیق شده برای آنها

هر که خواستار برای نگه داشتنی روح انقلاب بودند -

امروز شاعران جوان انقلاب به سوی میرزا بیدل و سبک هندی مایل اند و عادات
و رسوم قوی بنیادی را که از شاعران هندی انتخاب کرده بودند سعی باز نمودی کنند - این همین تفکرات
ذهن است که یک شاعر پس از انقلاب اسلامی آقای حسن حبیبی کتابی -

بیدل، سپهری، سبک هندی رشته و در آن فرۀ میرزا بیدل و شیوه اش را بخوبی ارزیابی
کرده است که در سراسر ادب فارسی جهان مقبول تر شده است -

دکتر رضا شفیعی کدکنی شاعر دیگر این زمان است که تقابل بنام شاعر آینه هان نوشته که از
خواندنش، میرزا بیدل گرائی است که شاعران و نویسندگان و مقاله نگاران در مورد بیدل و افکار و اند
یشه اش را شرح می دهند و بحث می کنند - همین هدی در فصل پنج به تفصیل دیده می شود - اما من اینجا در
اثر فقط می گویم که شعر میرزا عبدالقادر بیدل معماری جدیدی است - با هندسه ویژه خویش - این
همان شعر و شیوه میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی است که پس از انقلاب اسلامی ایران شاعران نسل
جوان را به سوی میرزا بیدل کشیده اند و به بیدل گرائی را پی برده اند -